

انتفاضة و رکود اقتصادی اسرائیل

تهیه و تنظیم: اسراء متجدد عسگری

مقدمه:

ملاحظات سیاسی ژئوپلیتیکی خاص حاکم بر منطقه خاورمیانه، اسرائیل و تشکیلات خودگردان فلسطینی را در موقعیت ویژه‌ای قرار داده است. اسرائیل به عنوان موجودیتی که از سال ۱۹۴۸ تا کنون بر منطقه خاورمیانه تحمیل شده و پیدایش آن با جنگهای متعدد و تنشهای فراوان همراه بود، هنوز نتوانسته است به پذیرش و مقبولیت مورد نظر در نزد کشورهای منطقه دست یابد. این در حالی است که عدم دست‌یابی به یک چارچوب مورد توافق در مذاکرات میان طرفهای درگیر در جبهه مناقشات فلسطینی، سوری و لبنانی با اسرائیل، بازیگران مزبور را میان دو اردوگاه مذاکره و جنگ محدود مرزی یا خیابانی سرگردان ساخته است. این وضعیت بر اقتصاد بازیگران این میدان، تاثیر گذاشته و هزینه‌هایی را بر طرفین تحمیل می‌کند.^۱

قیام فلسطینی‌ها بر اقتصاد اسرائیل

ساز و کارهای قیمت‌گذاری با تولید، پردازش و حمل و نقل گاز هم‌خوانی ندارد. این امر نیز محتمل است که طرحها انجام شدنی هستند ولی نمی‌توان سرمایه کلان را فراهم کرد.

آیا بهره‌برداری نکردن را می‌توان مسئله‌ای نهادین قلمداد کرد؟ شاید در مورد پذیرش گاز برای مصرف داخلی و انجام تعهدهای درازمدت برای توسعه و تجارت ناآشنایی وجود دارد.

آیا این مسئله می‌تواند جنبه سیاسی داشته باشد؟ نگرانیهایی در مورد بی‌ثباتی و کشمکشها، قطع‌تامین (باتقاضا) و پیروی دولتها از قراردادها در درازمدت وجود دارد. چنین نگرانیهایی سبب بی‌اطمینانی در فرآیند زنجیره گاز، از تولیدکنندگان تا مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران خارجی می‌شود.

منبع:

Petroleum Review



تأثیرات سنگینی به جا گذاشته است و این کشور متحمل خسارات بسیاری شده است که در چند حوزه، بسیار محسوستر از دیگر حوزه هاست.

رشد اقتصاد اسرائیل، به دلیل انتفاضه، با کاهش مواجه شده است و رقم پیش بینی شده رشد اقتصادی اسرائیل که برای سال ۲۰۰۱ حدود ۵/۸ درصد بود به حدود ۴/۵ تا ۴ درصد تنزل کرده است. از آنجایی که این رشد به طور عمده بر محور صادرات مبتنی است، آسیب وارده در حالت کلی ممکن است چندان زیاد به نظر نیاید. اما برخی حوزه های اقتصادی اسرائیل، بیشترین هزینه ها را پرداخته اند که از جمله آنها می توان از صنعت توریسم، بخش ساخت و ساز، کشاورزی و سرمایه گذاری خارجی، نام برد.^۲

تا قبل از پاییز سال ۲۰۰۰، اقتصاد اسرائیل تا حدودی شکوفا بود ولی امروز عوارض رکود اقتصادی در سراسر آن به طور کامل مشهود و نمایان است. حداقل بیست و پنج هتل به سبب ورشکستگی تعطیل شده اند و بازار معاملات کساد گردیده است. در آغاز مارس ۲۰۰۱، در پی عملیات

شهادت طلبانه یک فلسطینی در نزدیکی تل آویو، تعداد ۱۲۱ نفر اسرائیلی کشته و بیش از ۱۰۰ تن دیگر زخمی شدند. این عملیات حالتی از نگرانی و احساس ناامنی را در میان سرمایه گذاران به وجود آورد و باعث شد تا این سرمایه گذاران به خرید دلار آمریکا روی آورند. این عملیات در حالی صورت گرفت که ارزش پول اسرائیل نیز در پنجمین روز آن ماه سیر نزولی به خود گرفت و با ۲۴ درصد کاهش، هر دلار آمریکا در برابر ۴/۱۶۶ شکل اسرائیل مبادله شد. با وجودی که میزان این کاهش در کوتاه مدت اندک بود، اما تاثیر زیادی بر بازار مالی این کشور گذارد؛ بخصوص که ارزش واحد پول اسرائیل در پی آغاز انتفاضه در سپتامبر سال ۲۰۰۰ رفته رفته روبه کاهش نهاده بود و نخستین بازتاب منفی آن در اکتبر سال ۲۰۰۰ در بازار مالی تل آویو خود را نشان داد؛ زیرا ارزش برابری آن کاهش یافت. این کاهش طی ۷ ماه استمرار انتفاضه همچنان ادامه یافت و در نهایت از ارزش پول این کشور به میزان ۳/۰۶ درصد کاسته شد.^۳ صندوق بین المللی پول حداکثر رشد اقتصاد را حدود ۲ درصد پیش بینی می کند، در حالی که

کارشناسان اقتصادی اسرائیل تا چند ماه پیش (ژوئیه ۲۰۰۱) رشد اقتصادی را حدود ۴/۵ درصد تخمین می‌زدند. شایان ذکر است که تخمین صندوق بین‌المللی پول بسیار خوشبینانه است. بنابه گفته نشریه اقتصادی گلوبز اسرائیل «توسعه صنعتی کشور در نقطه صفر است».

البته در مقابل بحران اقتصادی وحشتناک سرزمین فلسطین، رکود اسرائیل چندان جلوه‌ای ندارد. زیرا ظرف هشت ماه، میزان بیکاری در سرزمین فلسطین چهار برابر شده و تجارت عملاً متوقف گردیده است. قبل از بروز شورش در پاییز ۲۰۰۰، سرمایه‌گذاری در فن‌آوری‌های برتر سبب گردید که رشد اقتصادی اسرائیل به سطح ۵/۸ درصد برسد. اما در آخرین سه ماه سال ۲۰۰۰، با وقوع خشونت‌ها، عدم استقبال توریست‌ها از آمدن به اسرائیل و سقوط سهام اینترنت در جهان سبب شد تا موسسات نوپای فن‌آوری برتر ورشکست شده و اسرائیل با بدترین بحران اقتصادی خود ظرف ده سال اخیر روبه‌رو شود.^۴

ناگفته نماند که در سال ۱۹۹۹ به

دلیل تورم اندک ۱/۳ درصدی، شکل رونق یافت و این در حالی بود که میزان تورم در سال ۱۹۹۸ به چیزی در حدود ۸/۶ درصد می‌رسید این مسئله بر اقتصاد اسرائیل تأثیر مثبت داشت، بخصوص که کمتر از نصف میزان تورم ۲/۷ درصد ایالات متحده بود. با ادامه سیر نزولی کاهش تورم در اسرائیل پایان سال ۲۰۰۰ حتی به صفر رسید و اگر چه کاهش میانگین تورم در سطح قیمتها تأثیر داشت اما قدرت شکل در آن هنگام نقش بسیار زیادی در گرانی کالاها داشت.

بر اساس برخی پژوهش‌ها، اسرائیل از آغاز انتفاضه تا کنون بیش از ۲ میلیارد دلار خسارت دیده است.^(۱) رییس اتحادیه صنعت گران اسرائیل می‌گوید: با توجه به اینکه میانگین رشد اقتصادی اسرائیل در سال ۲۰۰۰ به ۵/۸ درصد رسید پیش بینی می‌شد که این میزان در سال ۲۰۰۱ به ۶/۵ درصد برسد، می‌توان پیش بینی کرد که میانگین رشد از ۱/۹ درصد فراتر نخواهد رفت.

نکته قابل توجه آنکه همواره رکود

اقتصادی و بروز بحرانهای اجتماعی در

۱. با ادامه انتفاضه در سال ۲۰۰۲ تاکنون میزان این خسارت به بیش از دو برابر افزایش یافته است.

اسرائیل به طور معمول با به قدرت رسیدن حزب لیکود همراه بوده است.

در زمان مناخیم بگین این بحران اقتصادی به اوج خود رسید و در سایه عدم نظارت بر واحد پول و نبود ضوابط معقول برای خصوصی سازی سرمایه ها به سوی دلال بازی و بورس بازی در بازار سهام تل آویو سرازیر شد.^۵

طرح‌های اقتصادی اسرائیل

رژیم حاکم بر تل آویو از اواسط دهه هشتاد طرح درازمدتی را دنبال کرده است، که بر اساس شعار «دور کردن دولت از صحنه فعالیت‌های اقتصادی» پایه گذاری شده و در این راستا به اقدامات زیر پرداخته است:

۱- پول: تعیین سیاست پولی

اسرائیل به عهده بانک اسرائیل است و دولت پس از مذاکره با بانک اسرائیل شاخص تورم را تعیین می نماید. بدین ترتیب بانک مرکزی اسرائیل مستقل و نهادینه عمل می کند.

نرخ تورم سالانه اسرائیل در جولای

۱۹۸۵، نرخ تورم پایین آمده بود و حذف کسر بودجه دولت در سال ۱۹۸۵ بسیار بالا بود به نحوی که اقتصاد این کشور را تهدید

می کرد، بنابراین برنامه‌ای به طور ضرب العجل به مورد اجرا گذاشته شد. تا پایان سال ۱۹۸۵ نرخ تورم پایین آمده بود و حذف کسر بودجه دولت در سال ۱۹۸۵ از این هم چشمگیرتر بود.

در مقایسه بین سالهای ۱۹۷۳-۱۹۸۶، رشد تولید ناخالص ملی سالانه حدود ۲ درصد کاهش یافت و تولید سرانه رشدی نداشت. در همان زمان، نرخ تورم، که از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۲ یک رقمی بود، در سال ۱۹۸۷ به شدت افزایش یافت. در سالهای ۱۹۷۵، ۱۹۸۳ و ۱۹۹۴ اقتصاد اسرائیل از همه منابع بالقوه سرمایه گذاری کوتاه مدت خود برای جبران کسری تراز پرداخت‌هایش استفاده کرد.

اسرائیل از آغاز سال ۲۰۰۳ تعریف جدیدی از ثبات قیمت را مدنظر قرار می داد تا با اقتصاد کشورهای توسعه یافته هماهنگ باشد. اما تداوم انتفاضه مردم فلسطین، گرفتار ساختن آن در موقعیتی فرسایشی این طرح را با شکست روبه رو ساخت.

تا کنون اسرائیل از وام‌های اعطایی آمریکا استفاده‌های کلانی کرده است و در صورت کاهش درگیرها و به نتیجه رسیدن

مذاکرات صلح ممکن است هجوم سرمایه خارجی دور از انتظار نباشد. اما موقعیت موجود، و کشتار بی وقفه فلسطینی ها و اشغال باقی مانده سرزمینهای فلسطینی که حتی بر اساس توافق با فلسطین منطقه ای فلسطینی محسوب می شد، مشکلات به شدت افزایش یافته است؛

به پرورش نیروی کار متخصص و تکنولوژی استوار است. این رژیم سعی می نماید تا از صنایع سنتی مبتنی بر استفاده از نیروی کار غیرتحصیل کرده فاصله بگیرد، که البته در این راستا توفیقی نداشته است؛^۶

۳. نرخ رشد تولید: در سال ۲۰۰۰ و

پس از دو سال رشد اقتصادی، محصول ناخالص داخلی اسرائیل ۳/۴ درصد افزایش یافت. کشورهای اروپایی این نرخ رشد را در اسرائیل کافی می دانند اما به دلیل بالابودن رشد جمعیت، می توان رکود تولید و کاهش تولید، داخلی سرانه منجر را مد نظر قرار داد.^۷

سایه انتفاضه بر اقتصاد اسرائیل

الف: تاثیرات داخلی: وقوع انتفاضه، و تاثیرات روانی آن باعث رکود اقتصادی در سرزمینهای اشغالی شد. در اولین ماه آغاز انتفاضه ضررهای وارده بر تولید به ۸ میلیون دلار رسید. در عین حال هجوم بی وقفه رژیم اشغال گر اسرائیل به افزایش تأثیر فشار وارده بر فلسطینی ها انجامیده است. این امر زمانی قابل ارزیابی است که در نظر بگیریم فضای روانی سنگین

۲. خصوصی سازی: رژیم اسرائیل

در سالهای گذشته در مسیر خصوصی سازی کامل دو بانک بازرگانی - تجاری باقی مانده که هنوز قسمتی از مالکیت آنها در اختیار دولت است، گام برداشته و در این راه به نتایج مهمی نیز دست یافته است. البته در این موارد دولتهای غربی پشتیبانی عمده برای مسایل اقتصادی اسرائیل محسوب می شوند، به عنوان مثال در زمینه ساختار تجارت بین المللی، موانع ناشی از تعرفه های گمرکی کاهش چشمگیری یافته و یا گاهی از میان برداشته شده است. زیرا قراردادهای تجارت آزاد بین اسرائیل و اتحادیه اروپا و آمریکا امضا شده و این اقدامات تاثیرات عمده ای بر اقتصاد اسرائیل داشته است. در حال حاضر، موفقیت اصلی اقتصاد اسرائیل

ناشی از کشته شدن حدود ۶۰۰ کودک، نوجوان و زن و مرد غیرنظامی فلسطینی و مجروح شدن بیش از ۷۰۰۰ نفر دیگر و کاهش درآمد آنها در جریان انتفاضه فلسطین را به شدت در فشار و مضیقه قرار داده است.

ب: تأثیرات بیرونی: تعداد زیادی از

کارمندان و کارگران فلسطینی، روزانه برای کار به مناطق اشغالی می‌رفتند. شروع انتفاضه و حوادث ناشی از آن باعث شد تا ورود فلسطینی‌های شاغل به مناطق اشغالی، به طور کامل ممنوع شود. این اقدام باعث قطع منبع درآمد ارزی برای فلسطینی‌ها شده است. میزان درآمد قطع شده تا مارس ۲۰۰۱، ۳۸ میلیون دلار برآورد می‌شد.^۸ اما تداوم حرکت‌های انتفاضه در طول سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲، این رقم را به شدت افزایش داده است. در عین حال شرایط، موقعیتی را برای اسرائیل به وجود آورده است که به دلیل درگیری روزمره با مبارزان فلسطینی، با کاهش شدید تولید، موقعیتی دشوار و بحرانی عمده روبه‌رو شده است.

دولت اسرائیل در تاریخ اقتصادی خود هم‌اینک با دشوارترین مرحله روبه‌رو است. چرا که میزان بیکاری در این کشور در نوامبر سال ۲۰۰۱ به رکورد بی‌سابقه خود؛ یعنی، ۹٫۹ درصد از جمعیت واجد شرایط کار رسید و این در حالی است که این میزان در ماه آوریل همان سال ۷/۸ درصد بود. افزون بر آن از ارزش برابری شکل‌نیز در برابر دلار آمریکا روز به روز کاسته می‌شود و وزیر کار اسرائیل به منظور جلوگیری از ادامه این وضعیت پیشنهاد کرده است تا شمار کارگران خارجی در این کشور کاهش پیدا کند.

بر اساس آمارهایی که به تازگی از سوی دفتر ملی آمار در قدس منتشر شده است شمار بیکاران در اسرائیل که ۲/۵ میلیون نفر از جمعیت آن واجد شرایط کار هستند، از ماه آوریل تا ماه نوامبر ۳۴ هزار نفر افزایش یافته است و این میزان بیکاری در این کشور از زمان تشکیل دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ تاکنون سابقه نداشته است.^۹